

۳ - رساله مربوط به سلطان حسین شهدی .

۴ - فصل نقاشان .

۵ - خاتمه کتاب .

*

دیباچه - از صفحه اول تا هفتم یک دیباچه طولانیست در تعریف و توصیف خوشنویسی و نقل روایاتی مبنی بر تأکید آموختن این هنر، سپس فهرستی از اسامی رسم الخط که در آن زمان معروف و متداول بوده است . در فصول مربوط به خوشنویسان حالات و سوانح عمری صدو شصت و دو تن خوشنویس نوشته شده است ابتدا خوشنویسان ثلث را توصیف کرده سپس استادان خط تعلیق را و در آخر ماهران نستعلیق را ذکر نموده - بجز چند تن از این خوشنویسان اغلب آنها معاصران خود مؤلف بوده اند یا آنها که مؤلف در سنین طفولیت و جوانی با آنها برخورد کرده و میشناخته و از این جهت حائز کمال اهمیت است . بعضی جاها مؤلف با اقتضای ربط و اطلاع و اتقی که در این فنون داشته ضمن حال استادان از خود اظهار نظر نیز میکند و گرچه گاهی نظرا و از آراء عموم منحرف مینماید باز طوری است که گمان نسرود راه مبالغه رفته باشد . مثلا ضمن شرح حال درویش عبدالله و خواجه عبدالحی مینویسد بسیاری خوشنویس مؤخر الذکر را ترجیح میدهند ولی بعقیده مصنف هر دو در یک سطح از استادی و هنر بوده اند ، متنها طریقه نوشتن آنها مختلف بوده است .

مؤلف گاهی در تلو سطور از موسیقی دانان و ساز های آن زمان اسم برده ولی نه در فصل و جزء معین و مخصوص . مثلا مولانا محمد قاسم قانونی را که در نوختن قانون استاد بوده اسم میبرد ، و بناسبت ، شمه ای در باب احضار او از طرف ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا که والی خراسان بوده است و مولانا محمد قاسم قانونی را جهت نوختن قانون طلب کرده است نوشته .

در فصل سوم گلستان هنر قاضی احمد رساله سلطان علی شهدی را که درباره خط و تعلیم مشق تدوین یافته نقل کرده است - این رساله مشهور است و در بسیاری از تذکرة های مستند از آن یاد شده . در این رساله از مزرزنگ کردن و آهار دادن کاغذ و تعلیم خط مطالب مفید ذکر شده

گلستان هنر

کتابی در فنون مختلف نقاشی (۱)

زهرا حسنی (داعی زاده)

تذکره گلستان هنر که در شرح حال و آثار هنری عده ای از خوشنویسان و نقاشان دوره صفوی و چند تن پیش از این زمان تدوین یافته است کتابی است جالب و تقریباً در نوع خود بی نظیر . اینجانب یک نسخه فیس از این کتاب را در حیدر آباد دکن در کتابخانه مرحوم سالار جنگ که از نواب اصیل و محترم هندوستان بود یافتم و نظرباینکه متضمن شرح حال عده ای از هنرمندان زمان مؤلف بود و در نهایت اعتبار مینمود بر آن شدم که آنرا بدقت مطالعه نمایم و مورد استفاده عموم قرار دهم . اینک خصوصیات کتاب :

مؤلف قاضی احمد قسی یکی از درباریان شاه عباس صفوی است که چون خود ربط و اطلاع کافی از هنر خوشنویسی و نقاشی داشته است و اعتبار هنرمندان این فنون را در عصر خود میدیده جهت حفظ شرح حال و آثار آنان مبادرت بتألیف این کتاب نموده است و گلستان هنر را در پنج جزء مرتب کرده است .

۱ - دیباچه .

۲ - سه فصل درباره خوشنویسان .

(۱) در شماره سوم این مجله (بهار ۱۳۳۶) ضمن مقاله ای درباره رضا عباسی به کتاب « گلستان هنر » مطالبی که در این مقاله بتفصیل آمده است اشاراتی شده . رجوع کنید به همان شماره .

ونقاشی و طریق ساختن رنگها و حل کردن طلا و ساختن مرکب و چگونگی تذهیب را متذکر شده است.

شرح حال مؤلف بطوریکه از خود گلستان هنر مستفاد میشود بقرار ذیل است:

قاضی احمد از خانواده علم بوده است، پدرش از علمای مشهور زمان موسوم به حسین قمی و ملقب به میرمنشی و درسلک درباریان شاه طهماسب صفوی شغل وزارت داشته است. عموی او میروجیه‌الدین خلیل‌الله از مصاحبان خاص شاهزاده ابراهیم میرزا و مادرش از خاندان محترمی بوده است. خود در تذکره مینویسد میر قنبر شرقی که از خوشنویسان عالیقدر پشمار میرفته غلام پدر و مادرش بوده است. تاریخ تولد قاضی احمد معلوم نیست ولی بتقریب میشود حدود آنرا دریافت. در اینکه مؤلف گلستان هنر معاصر شاه محمود بوده است شکی نیست زیرا ضمن حالات شاه محمود مینویسد که این استاد، خوشنویس دربار شاه طهماسب صفوی بود و برای کتابخانه شاهی خمس نظامی و بعضی کتب دیگر را بخط خوش مینوشت. در سنه ۹۶۴ هجری وقتی (قاضی احمد) به مشهد مقدس مشرف شده هنوز بسن بلوغ نرسیده بود. بیست سال در آنجا مقیم بوده و گاهی بخدمت شاه محمود حاضر شده و از او سرمشق و تعلیم خط گرفته است و نیز درباره زندگی خود در همین سال ۹۶۴ مینویسد: «هنگامیکه مولانا مالک دیلمی با ابولفتح ابراهیم میرزا برای زیارت به مشهد مقدس مشرف شدند در مدت یکسال و نیم که آنجا اقامت داشتند برای تعلیم خوشنویسی در خدمت دیلمی زانوی شاگردی بزمین زدم.» حال اگر بقیاس تاریخ این واقعات که هنوز قاضی بسن بلوغ نرسیده حساب کنیم میشود تخمین زد که تولد او در یکی از سالهای ۹۴۹ یا ۹۵۰ بوده است. از سال فوت قاضی احمد هم آنقدر که تحقیق شد معلوم نگردید.

و همچنین نکات دقیقی راجع بکاغذ سازی دارد. در فصل نقاشان سی و هفت مصور را نام برده و حالات ایشان را نوشته است. این فصل بادیباچه مختصری درباره بهزاد و مانی متضمن اقوال پیشینیان شروع میشود و نقاش سوم شاه طهماسب صفوی است که چندین صفحه در تعریف این شاه زینت یافته و متذکر شده است که در چهل ستون قزوین یادگار قلم و نقاشی این سلطان هنوز باقیست. ابوالفتح ابراهیم میرزا نیز یکی از نقاشان نامبرده در این فصل است. از میرسید علی هم یاد شده و این همان استاد است که در کتب اروپائیان نیز ذکر او آمده است. بازیل گری Basil Gray در کتاب خود بنام «نقاشی ایرانی Persian Painting» در صفحه ۷۱ چنین مینویسد: «از کارهای میرسید علی کم باقی مانده است ولی این نقاش استاد بزرگی است و همان کسی است که همراه عبدالصمد شیرازی با همایون پادشاه در سنه ۱۵۵۰ میلادی به هندوستان رفت و بانی طریقه ایست که سبک مغولی را با وج رسانید.» بازیل گری گویا از این مطلب بی اطلاع بوده که میر مصور پدر میرسید علی نیز همراه پسرش در التزام همایون پادشاه به هندوستان رفته و ماجرای این سفر طبق مندرجات گلستان هنر از این قرار است که چون همایون پادشاه که از سلاطین مغولی هندوستان بوده به ایران آمد در دربار شاه طهماسب کارهای میر مصور را بسیار پسندید و به شاه گفت اگر میر مصور را به همراهی او اجازه سفر به هندوستان دهد بعد از رسیدن بهند یک هزار تومان برسم هدیه بدربار شاه خواهد فرستاد.

از آقا رضا نقاش هم در گلستان هنر توصیف بسیار شده و ظاهراً باینکه زمان جوانی آقارضا بوده در فن نقاشی کمال استادی را داشته است. روزی آقارضا تصویری بخدمت شاه عباس عرضه میکند، شاه بجای انعام یک بوسه بردست نقاش میدهد و این مطلب کمال استادی نقاش و نهایت تقدیر و لطف پادشاه را میرساند. بازیل گری نیز آقا رضا را بانی سبک خاصی در نقاشی دانسته است.

در خانه کتاب مؤلف جزئیات راجع به خوشنویسی

(۱) بقرار اطلاع کتاب گلستان هنر اخیراً بوسیله پروفسور زاخود مستشرق روسی در مسکو بچاپ رسیده است. مناسفانه در کتابخانه‌های تهران نسخه‌ای از این چاپ موجود نیست (نقش و نگار)